

MISTAKE-FROM CONSTITUTIONAL MOVEMENT TO TODAY ONE

<http://www.ghandchi.com/360-OneMistake-plus.htm>

متن مقاله بزبان انگلیسی

<http://www.ghandchi.com/360-OneMistakeEng.htm>



سام قندچی

یک اشتباه-از مشروطیت تا امروز

قبل از اینکه بحث اصلی ام را شروع کنم، لازم میدانم یک نکته را در رابطه با عکس العمل به فراخوان رفراندوم سایت **6000000** یادآور شوم، و آن ضرورت اجتناب از روش برخوردی است که در اولین سالهای جمهوری اسلامی؛ برخی نابخردانه درباره افسران میهن پرست *نوژه* به عمل گذاردند، که مقاومت آن افسران در برابر استبداد نوین رژیم اسلامی را، طرح کودتای بازگشت سلطنت خواندند، و اولین مخیر آن تجمع به خمینی شدند، و به جمهوری اسلامی در به خاک و خون کشیدن آن آزادگان یاری کردند، و نتیجه آن شد که با از بین رفتن چالشهای آنگونه در درون رژیم، دست پاسداران چکمه پوش رژیم اسلامی باز تر شد، و راه برای سرکوب خود آن نابخردان نیز هموار تر گردید.

گیریم که نوژه حتی برنامه کودتاگران سلطنت طلب بود، در آن صورت عدم دفاع طرفداران دموکراسی از چنان جریانی قابل فهم بود. ولی کاسه داغ تر از آش شدن، و یاری به جمهوری اسلامی برای نجات از آن کودتا، و به آن عملکرد نام دموکراسی خواهی و ملی گرانی دادن، فریبکاری است، چرا که در واقع با این روش، این نابخردان نشان دادند، که در عین اختلاف با گروه بندی های معینی از رژیم، در حلقه اول مدافعان رژیم جمهوری اسلامی هستند. اگر در زمان شاه، کسی به شاه برای مقابله با طرح کودتای مین باشیان یاری میکرد، و اولین مخبر آن جمع برای محمد رضا شاه میشد، آیا میتوانست خود را در زمره اپوزیسیون دموکرات و مستقل به حساب آورد؟ خیر، این ها همه دفاع خجالتی از رژیم جمهوری اسلامی است، که سالها ست در درون بخشی از جنبش سیاسی ایران وجود داشته است، و من درباره جریاناتی نظیر **لایی ایست** های جمهوری اسلامی مفصلاً در گذشته نوشته ام، و نیازی به تکرار مجدد در این جا نیست.

اجازه دهید به اصل بحث این مقاله بپردازم.

گرچه بحث اصلی من از مشروطه تا کنون است، ولی برای روشن شدن موضوع بحثم، اجازه دهید که از انقلاب 1357 شروع کنم. در آن زمان نیروئی بنام *نهضت آزادی* در رأس آن مهندس مهدی بازرگان، باعث شد که طرح حکومت مذهبی، با رنگ و لعاب دموکراتیک مزین شود، و از نیروهای سکولار، از جبهه ملی تا نیروهای چپ، پشتیبانی برای یک پروگرام رژیم آلترناتیو واپس گرای دیگری، یعنی رژیم مذهبی، در برابر رژیم سلطنتی آن زمان، حاصل شد.

این موضوع خیلی مهم است که در 1357، بین آنان که خواهان مشروطه و حکومت قانونی کردن رژیم شاه بودند، نظیر جبهه ملی، و آنان که خواهان نسخه باصطلاح دموکراتیک پروگرام رژیم مذهبی بودند، نظیر نهضت آزادی، تفاوت بگذاریم. در واقع آنهایی که رژیم استبدادی موجود در هر زمان را میخواهند تعدیل و دموکراتیزه کنند، میتوان جزو صفوف جنبش دموکراسی خواهی دوران قلمداد کرد، حتی اگر در مقاطعی درون رژیم باشند، ولی آنها که رژیم واپسگرا و استبدادی دیگری را بعنوان آلترناتیو رژیم موجود بخواهند، حتی اگر طرفدار مدل باصطلاح "دموکراتیک" آن آلترناتیو باشند، اساساً در خدمت به قدرت رساندن رژیم واپسگرای آلترناتیو میباشند، و اینکه آیا مدل تعدیل یافته آنها، پس از پیروزی رژیم مورد نظر آنها در آینده موفق شود، شایسته تردید جدی است.

در واقع امثال طالقانی کمک کردند که رژیم مذهبی (تئوکراسی) در ایران، آلترناتیو رژیم سلطنتی شود، و اینکه مدل حکومت مذهبی تعدیل شده آنان شکست خورد، جای تعجبی ندارد. رژیم های استبدادی، از سلطنتی، تا مذهبی، تا کمونیستی، اگر تعدیلی شده اند، همیشه بخاطر مقاومت های مردم در برابر آن رژیم ها بوده است، و نه به لطف مصلحان اجتماعی، حتی اگر آن مصلحان خود از پایه گذاران آن رژیم ها بوده اند.

امروزه نیز در رابطه با سلطنت، اتفاق مشابهی در صحنه سیاسی ایران در جریان است. جریانات و افراد دموکراتی که طرفدار سلطنت مشروطه هستند، نظیر مذهبیون دموکراتی چون آیت الله طالقانی که در 1357 صادقانه به رژیم مذهبی دموکراتیک معتقد بودند، صادقانه به رژیم سلطنتی مشروطه معتقدند، و اگر اکنون در ایران رژیم سلطنتی وجود داشت، یا پیش قراولان اصلاحات درونی و دموکراتیزه کردن درون رژیم بودند، یا چون آیت الله طالقانی توسط آن رژیم از پیش پای برداشته میشدند.

اما نکته من این است که در دورانی که رژیم سلطنتی در قدرت نیست، اینگونه مدافعان مدل مشروطه آن، در واقع در دادن برداشت غلط به مردم، از آن آلترناتیو آینده، سهمیم هستند، چرا که آن رژیم در قدرت نیست، و مردم امروز با واقعیت رژیم سلطنتی روبرو نیستند. همانگونه که در زمان شاه، رژیم تئوکراسی (مذهبی) در ایران در قدرت نبود، و امثال طالقانی و بازرگان و نهضت آزادی، تصویر کاذبی را از یک رژیم مذهبی باعث میشدند. یعنی واقعیت رژیم مذهبی واقعی، که همیشه در رابطه مذاهب و ایدئولوژی های دیگر، تبعیض گر است، پوشانده میشد، در صورتیکه این واقعیت استبدادی، در خود تعریف رژیم مذهبی نهفته است، و موضوع اختلاف حکومت مذهبی باصطلاح "دموکراتیک"، و حکومت مذهبی استبدادی نیست، و این تبعیض گرایی و استبداد در خصلت رژیم مذهبی است.

به همین شکل نیز در رژیم سلطنتی، کودکی از خاندان سلطنت، از امتیازات ویژه ای برخوردار است، که مهمترین آن امکان قرار گرفتن در رأس قدرت است، و این سیستم موروثی، تبعیض ضد بقیه خانواده ها است که کودکانشان از چنان امتیازی برخوردار نیستند، و طرفداران واقعا دموکرات سلطنت، این واقعیت تبعیض گرایانه و ضد دموکراتیک، که در خود تعریف و خصلت سلطنت است را بی اهمیت مینمایانند. اما همانطور که نوشتم، آنهایی که در درون یک رژیم اسلامی برای تعدیل آن مبارزه میکنند، و نیز آنان که در درون یک رژیم سلطنتی برای تعدیل و دموکراتیزه کردن آن کوشش میکنند، حق دارند که خود را بخشی از جنبش دموکراسی خواهی بدانند، ولی وقتی در خارج آن هستند، به گمراهی مردم و پیروزی یک رژیم واپس گرا بجای دیگری، یاری میرسانند.

اشتباه جنبش سیاسی ما از مشروطیت تا امروز این بوده است که نیروهای دموکرات ما بجای آنکه برنامه خود را به روشنی ارائه دهند و برای آن سازماندهی کنند، مشغول سازماندهی آنانی بوده اند که در پی سیستم رژیم واپس گرای دیگری برای جایگزینی رژیم موجود بوده اند، نظیر طرفداران رژیم مذهبی، هر چند از نوع دموکراتیک یا تعدیل یافته آن، و دست آخر نیروهای مترقی ما، سکوی آنهایی شدند که وتو پنج مجتهد و شیعه بعنوان مذهب رسمی ایران را، به قانون اساسی مشروطیت تحمیل کردند.

زمانی دیگر نیز هم خود را مصروف سازماندهی طرفداران رژیم موجود کرده اند و در پی دموکراتیزه کردن آن بوده اند، نظیر آنها که آرزویشان دیدن عدل مظفر بر سر در مجلس بود. بنظر من نیروهای مترقی و دموکرات بایستی که کوشش اصلی خود را در سازمان دادن بر محور نظرات خود صرف کنند، هر چند در عین حال میتوانند همکاری به آنهایی که در پی طرح های دموکراتیک در درون سیستم های واپس گرای گذشته هستند نیز یاری کنند، اما نبایستی مخبر مقاومت هائی نظیر نوژه باشند، که در واقع اینگونه رویداد ها، تبلور مقاومت های مختلف در برابر رژیم واپس گرا و استبدادی موجود است، و نیروهای دموکرات میتوانند در ارتباط با این جریانات بی طرف باشند، و نه مدافع رژیم حاکم.

اکنون سازماندهی کردن سازمان های جوانان آینده نگر در ایران با ایده های ترقی خواهانه و دموکراتیک مهم است، خواستهائی نظیر رفرا اندوم، الغای سربازی اجباری، الغای حجاب اجباری زنان، ایجاد شغل و تسهیل مسافرت به خارج برای جوانان، تأسیس مدارس مختلط دختران و پسران، فراهم آوردن امکانات تحصیل زبان های خارجی در همه مدارس ایران و نه فقط مدارس خصوصی و غیر انتفاعی، و امثالهم. این ها موضوعاتی است که ذهن جوانان ایران را به خود

مشغول داشته است، جوانانی که در مسابقه های فوتبال، خواست رقابت در دنیای گلوبال را به نمایش گذارده اند. رفراندوم برای پایان دادن به حکومت مذهبی، و دفاع از اینگونه خواسته های سکولار جوانان ایران است.

به امید جمهوری آینده نگر، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

26 آذر 1383

December 16, 2004

مقالات تئوریک

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>